

دربارهٔ افتخارآفرینی‌های تمام‌نشدنی بانوان ورزشکار که همهٔ ایران به آن‌ها افتخار می‌کنند

دخترانی از طلا بالاتر

افتخار فقط مدال‌آوری نیست. پیروزی ورزشکاران ایرانی در کارزارهای بین‌المللی ورزشی یک‌وجه ندارد، آن‌هم در شرایطی که دشمنان ایران، انزوا و تحقیر این کشور را در همه سطوح دنبال می‌کنند.
اهتزاز پرچم ایران هم‌زمان با حضور ورزشکاران روی سکوی قهرمانی، چند پیام روشن دارد. ایرانیان، زیر بیرق همین پرچم افتخار می‌آفرینند، این صحنه‌ها را همان جوانانی خلق می‌کنند که ماشین رسانه‌ای فاندبگیر از صهیونیست‌ها برای جداکردن خط آن‌ها از ایران، هر زینه‌های سسگینی متحمل می‌شود. در میان این جوانان، دختران ورزشکار ایرانی در مواردی گوی سبقت را از مردان ورزشکار ربوده‌اند و رکوردهای چشمگیری را در عرصه جهانی ثبت کرده‌اند. در سال‌های اخیر می‌توان موارد متعددی از افتخارآفرینی خانم‌های ورزشکار نام برد که در دیدارهای متعدد با رهبر انقلاب، مورد تحسین ایشان قرار گرفتند، امری که نشان می‌دهد برخلاف برخی نگاه‌های تک‌بعدی و تنگ‌نظرانه، رهبر انقلاب این جنس قهرمانی و افتخارآفرینی‌ها را ارج می‌نهند، بر خلاف تبلیغات دشمنان، پیشرفت ورزش بانوان نشسان می‌دهد در عرصه عمل نیز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای نقش‌آفرینی و موفقیت دختران ورزشکار در این کارزارها صورت گرفته است.
آخرین مورد فرشته حسن‌زاده دختر موی‌تای کار ایرانی که در جریان مسابقات همبستگی اسلامی در ریاض صاحب مدال نقره شد و برگ‌ی دیگر به افتخارات دختران جوان ورزشکار اضافه کرد. در گفت‌وگوی تلویزیونی گفته بود؛ دوست داشت مدال طلا بگیرد و آن را تقدیم رهبر انقلاب کند؛ اما همین نقره را هم تقدیم رهبر انقلاب می‌کند. خودش می‌گوید کمتر از ۴۸ ساعت بعد از انتشار این گفت‌وگو بود که پیامی را از رهبر انقلاب دریافت کرده «از طلا برتر، همت و تلاش و ایمان و اعتمادبه‌نفس شمامست دخترم.»
فرشته شاید در خواش‌های مرسوم امروزی، دختری مذهبی به نظر نیاید؛ اما خودش می‌گوید این کار را «خالصانه، از ته قلب و برای حال دل خودش» انجام داده است. اما فراتر از پیام فرشته در همین جنس سوزه‌های کوچک و بزرگ می‌توان، شکست پروژه ضدایرانی دشمن مبنی بر جداکردن دختران ایران از تعلقات ملی و دینی را مشاهده کرد.

۸۶۷ مدال فقط برای دختران ایران

آن‌طور که وزیر ورزش اعلام کرده دختران ایران در یک سسال گذشته، ۸۶۷ مدال به دست آوردند که فقط ۱۴۰تای آن طلا بوده، حتی اگر اعداد هم حرف زنند با چشم غیرمسلح هم می‌توان این گزاره را اثبات کرد که افتخارآفرینی دختران ایرانی در کارزارهای ورزشی رکورد چندسال اخیر را زده است، آن هم در شرایطی که دشمنان ایران بعد از ناآرامی‌های ۱۴۰۱ تصویری مخدوش از زنان ایرانی ارائه می‌کردند، به این معنا که مسیر موفقیت و پیشرفت آن‌ها با موانع زیادی همراه است و تازه زمانی که از ایران خارج می‌شوند استعداد و توانمندی‌های آنان خودنمایی می‌کند. پیروزی دختران ایران در کارزارهای

قطعه‌نامهٔ مضحک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید از سوی ایران پاسخی داشته باشد که ضمن حفظ ابهام هسته‌ای، محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد

چشم‌بند گروسی را محکم‌تر کنید

پنجشنبه ۲۹ آبان (۲۰ نوامبر ۲۰۲۵)، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ۱۹ رأی موافق، ۳ رأی مخالف (روسیه، چین و نیجر) و ۱۲ رأی ممتنع، قطعه‌نامه پیشنهادی آمریکا و ترویجکای اروپایی (فرانسه، آلمان، بریتانیا) علیه ایران را به تصویب رساند. این قطعه‌نامه که بر پایه گزارش‌رافائل گروسی، مدیرکل آژانس تنظیم‌شده بود، نخستین قطعه‌نامه رسمی پس از جنگ ۱۲ روزه است.

اگرچه در این قطعه‌نامه موضوع ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل گنجانده نشده است اما متن آن نشان می‌دهد که طرف غربی تلاش داردی توجه‌از کنار ماجرای جنگ ۱۲ روزه گذشته و این واقعیت را نادیده بگیرد که وضعیت فعلی نتیجه به شهادت رساندن بیش از هزار ایرانی و هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای مشروعی است که تحت بازرسی آژانس قرار داشتند. در این گزارش اما مدیرکل آژانس کوچک‌ترین اشاره‌ای به هدف قرار داده شدن این مراکز نشان نداد. مطالباتی که طرف غربی در مورد بازرسی از تأسیسات هسته‌ای بمباران‌شده ایران و همچنین ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا داشته است نشان می‌دهد سیاست ابهام هسته‌ای اتخاذشده توسط ایران تاکنون مؤثر واقع نشده و باید رویکرد قاطع ایران تداوم یابد تا طرف غربی ناچار شود تغییر وضعیت مواجعه با پرونده هسته‌ای ایران پس از یک جنگ ۱۲ روزه را به رسمیت شناخته و در مورد نحوه پرداخت هزینه‌های اشتباه خود به گفت‌وگو بنشیند.

بازگشت به «وضعیت پیش از جنگ» بدون اشاره به جنگ

در این قطعه‌نامه آمده است که ایران بر اساس تصمیمات بین‌المللی باز اعمال‌شده در سپتامبر ۲۰۲۵ موظف به تعلیق تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه و پروژه‌های مربوط به آب سسگین است. اشاره این بند به موضوع فعال‌سازی سازوکار اسنپ‌بک توسط طرف اروپایی است. این مطالبه درحالی مطرح می‌شود که پیش از فعال‌سازی مکانیسم ماشه ایران در مذاکرات با طرف اروپایی شروطی مانند توافق با آژانس بر سر بازگشت بازرسان و همچنین بازگشت به میز مذاکره با آمریکا را پذیرفته بود؛ اما طرف مقابل این شروط خود را نادیده گرفته و از تنها ابزار که همان اسنپ‌بک بود، علیه تهران استفاده کرد. ایران به همراه روسیه و چین در موضعی مشترک اعلام کردند که طرف اروپایی نیز هیچ یک از تعهدات خود در قبال ایران را تاکنون اجرایی نکرده و حتی برای فعال‌سازی اسنپ‌بک آن هم خارج از فرایند تعیین‌شده در برجام ندارد. در قطعه‌نامه ترویجکای اروپایی و آمریکا همچنین از ایران خواسته شده است تا مطابق پروتکل الحاقی عمل کند. این مطالبه درحالی مطرح می‌شود که ایران اجرای پرواتکل الحاقی را ذیل برجام به تصویب رسانده است. از آنجایی که برجام با تداوم بدعهدی دولت‌های غربی کارکرد خود را از دست داده، ایران نیز دیگر خود را ملزم به اجرای یک طرفه آن نمی‌داند.

آژانس ادعا دارد که ایران با داشتن ذخایر ۴۰۰ کیلوی اورانیوم غنی‌شده ظرفیت ساختن ۱۰ تا ۷ بمب هسته‌ای را دارد به همین دلیل نیز به دنبال آن است تا با احیای دسترسی‌های خود اطلاعاتی در مورد وضعیت اورانیوم



ورزشی ضدحمله‌ای به همین انگاره خطا بود. کارویژه، الفقای حس ناامیدی و تحقیر بود؛ اما کارزارهای ورزشی که اساساً محلی برای رقم خوردن حس غرور و افتخار برای کشور است، این زمینه را فراهم کرد که جوانان و به‌ویژه دختران ایرانی با یک تیر دو نشان بزنند، اهتزاز پرچم ایرانی به دست دختران دهه‌های ۸۰ و ۹۰، همان جوانانی که اتساق فکر صهیونی تصور می‌کرد نسبتی با هویت دینی و ملی ندارند، تیر خلاص به این تلاش‌ها بود. این موفقیت‌ها به دست همان جوانانی رقم‌خورد که این‌طور القا می‌شد که راه برای موفقیت آن‌ها بسته است؛ همان جوانانی که در میانه جنگ همه‌جانبه دشمن که از قضا مهم‌ترین آن جنگ روایت‌هاست، نشان دادند ایران، دختران و پسران توانمند و بالنگیزه‌ای دارد که افتخارآفرینی برای کشورشان یکی از رویاهای بزرگ آنان است.

اصل بر همت، تلاش و اعتمادبه‌نفس است

نگاهی که رهبر انقلاب به اصل و اساس ورزش و پیروزی آن‌ها در کارزارهای ورزشی دارند، یکی از بزرگ‌ترین مشوق‌های جوانان برای رقم‌خوردن این پیروزی‌های بزرگ در کارزارهای ورزشی است. در کنار دیگر واکنش‌های رهبر انقلاب به پیروزی‌های ورزشکاران در کارزارهای بین‌المللی، پیامی که به دختر ملی‌پوش موی‌تای کار دادند، بیش از همه موردتوجه قرار گرفت، فارغ از آنکه ایشان با فاصله زمانی کوتاه به پیام این جوان ورزشکار ایرانی پاسخ دادند، آنچه را در متن پیام به آن اشاره

قطعه‌نامهٔ مضحک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید از سوی ایران پاسخی داشته باشد که ضمن حفظ ابهام هسته‌ای، محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد

دربارهٔ افتخارآفرینی‌های تمام‌نشدنی بانوان ورزشکار که همهٔ ایران به آن‌ها افتخار می‌کنند

دخترانی از طلا بالاتر



می‌کنند می‌توان پیامی خطاب به تمام دختران ورزشکار ایرانی دانست. «همت، تلاش، ایمان و اعتمادبه‌نفس» همان رموزی است که می‌تواند همه‌ها و فشارهای دشمنان را که به دنبال عدم موفقیت آنان در کارزارهای ورزشی هستند، خشتی کند.

حامی همیشگی ورزش قهرمانی بانوان ایران

واکنش رهبر انقلاب به پیام ملی‌پوش موی‌تای کار ایرانی که از قضا در رسانه‌ها هم بازتاب زیادی داشت، پیام‌های دیگری هم با خود دارد، رهبر انقلاب برخلاف خوانش‌های متحجرانه در مورد حضور بانوان در کارزارهای ورزشی، بارها و در شئون مختلف نشان دادند، نگاهی مخالف با این خوانش‌ها دارند و حتی در مواردی حضور زنان در کارزارهای ورزشی با حجاب اسلامی را تحسین کرده‌اند. نکته مهم‌تر آنکه حمایت رهبر انقلاب از مدال‌آوری دختران ایرانی اثبات می‌کند که برخلاف خوانش‌های دشمنان ایران، نظام حکمرانی ایران نه‌تنها مخالف حضور دختران ایران در کارزارهای ورزشی نیست، بلکه برعکس بالاترین مقام در نظام حکمرانی ایران، شخصاً مدافع و مشوق این جوانان است و اثرات افتخارآفرینی آن‌ها را درک و از آنان حمایت می‌کند. همین باعث شده جوانان ورزشکار ایرانی هم ارتباط خوبی با رهبر انقلاب داشته باشند و در لحظه پیروزی و مدال‌آوری آن را مستقیماً تقدیم رهبر انقلاب کنند؛ چراکه می‌دانند، ایشان تلاش این جوانان را ارج می‌نهند و از آن استقبال می‌کنند.



قطعه‌نامهٔ مضحک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید از سوی ایران پاسخی داشته باشد که ضمن حفظ ابهام هسته‌ای، محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد

چشم‌بند گروسی را محکم‌تر کنید

حتی ادعاکنندگان اصلی نابودی نیز به نتایج حملات خود اطمینان ندارند و قادر به ارزیابی دقیق خسارات وارده‌شده نیستند. این رویکرد نشان می‌دهد راهبرد ابهام‌سازنده ایران تاکنون موفق عمل کرده و طرف مقابل را از دستیابی به تصویر شفاف از وضعیت واقعی برنامه هسته‌ای کشور محروم ساخته است. این امر توانایی ارزیابی نتایج حملات را سلب کرده و زمینه‌ای برای بازآرندگی بیشتر در آینده فراهم می‌آورد. اتخاذ مواضع قاطع در برابر طرف غربی و آژانس باید به‌حدی تداوم یابد که موضوع وظایف نهادهای بین‌المللی و تعیین تکلیف خسارات ایران توسط طرف‌های متخاصم قبل از هر بخشی در مورد فعالیت هسته‌ای ایران به متن اصلی هرگونه مذاکره‌ای تبدیل شود.



دربارهٔ حضور نتانیاهو در سوریه

و واکنش ضعیف کشورهای عربی

آنونس خوابی که برای

همهٔ منطقه دیده‌اند



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

یکی از مهم‌ترین دلایلی که جولانی، رئیس‌جمهور بدون انتخابات سوریه‌را به ایالات متحده کشاند، گفت‌وگو با دونالد ترامپ، همتای آمریکایی‌اش در باره متقاعدکردن نیروهای اسرائیلی برای خروج از سوریه‌بود. جولانی این درخواست را به‌عنوان «پیش‌شرط‌عادی‌سازی» و «وابط‌بازریم صهیونیستی مطرح کرده‌بود؛ اما هنوز عطر اسپری‌شده توسط ترامپ روی لباس جولانی خشک‌نشده که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، شخصاً همراه با مقامات سیاسی و امنیتی‌اش وارد جنوب سوریه شد تا بگوید که از نگاه او «عادی‌سازی روابط با اشغال‌گری در تضاد نیست» و دمشق باید از مناطق تصرف‌شده، چشم‌پوشی کند.

واکنش‌ها به حضور نتانیاهو در خاک سرزمینی سوریه قابل تأمل بود. کشورهای که روزگاری باعث سقوط دولت اسد و استقرار هیئت تحریر الشام شده بودند و بنا داشتند از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور برای مقاصد تجاری استفاده کنند، در پیانه‌های ضعیف و تکراری، مخالفشان را با توسعه اشغالگری صهیونیسم ابراز کردند. اکنون به نظر می‌رسد ترکیه، عربستان، قطر و دیگر کشورهای که حاکمیت دمشق‌را به عضو سابق داعش و القاعده هدیه دادند، اگر خوششان بخشی از پروژه اسرائیل نیستند باید پاسخگوی وضع موجود در سوریه باشند.

جولان در جولان

روز چهارشنبه نتانیاهو همراه با چند مقام ارشد خود از نیروهای اسرائیلی مستقر در جنوب سوریه بازدید کرد؛ حرکتی که خشم دولت موقت دمشق را برانگیخت. اسرائیل که پس از جنگ ۱۹۶۷ بلندی‌های جولان را تصرف کرده و سال‌ها در کنترل خود داشت، پس از سقوط دولت بشار اسد، توافق ۱۹۷۴ را نقض کردو بار دیگر مناطق اشغالی در خاک سوریه را که جمله تصرف‌قله‌راهبردی کوهر مومن راگسترش داد، تانک‌های اسرائیل حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع از جنوب سوریه را به اشغال خود درآوردند و حملات نظامی خود را نیز شدت دادند؛ از جمله بمباران دمشق و هدف قرار دادن وزارت دفاع، پیش از این، محمد جولانی با دونالد ترامپ دیدار کرده و مذاکرات برای دستیابی به توافق امنیتی با اسرائیل آغاز شده‌بود. با این حال شبکه «کان» اسرائیل گزارش داد مذاکرات به بن‌بست رسیده زیرا تل آویو حاضر نمی‌شود نیروهایش را بدون «توافق جامع صلح» از خاک سوریه خارج کند. جزئیات این توافق مشخص نشده؛ اما اسرائیل در لحظه آخر پیشنهادی ارائه کرد که شامل ایجاد یک «کریدور بشردوستانه» میان اسرائیل و استان سویدا سوریه بود؛ منطقه‌ای که جمعیت زیادی از درویش‌ها در آن زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش اکسیوس، یکی دیگر از اهداف این پیشنهاد حفظ «کریدور هوایی از طریق سوریه به ایران» برای امکان حملات آینده بود. نتانیاهو در بازدید خود به سران‌انگشت که حضورشان در خاک سوریه «اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و هدفش را» حفاظت از متحدان درویش» عنوان کرده است. کاتز، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعلام کرد که تل آویو قصد دارد اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه را برای «مدت زمان نامحدود» ادامه دهد.

نتانیاهو در سوریه چه می‌کند؟

حضور نتانیاهو در بلندی‌های جولان و سپس ارضی اشغالی جنوب سوریه که تل آویو از دسامبر ۲۰۲۴ میلادی آن را اشغال کرده، نشان می‌دهد تل آویو نه‌تنها قصدی برای واگذاری بلندی‌های جولان به جولانی ندارد که تصرفات جدید را نیز از دست نخواهد داد. بلندی‌های جولان به لحاظ امنیتی اهمیت خاصی برای اسرائیل دارد. این فلات کوهستانی در جنوب‌غربی سوریه حدود «۷۰ کیلومتر» با دمشق فاصله دارد و بر جنوب سوریه، شمال فلسطین اشغالی و بخش‌هایی از لبنان اشراف دارد. تسلط بر این ارتفاعات به نیروهای اسرائیلی امکان رصد «تحرکات همسایگان» را می‌دهد. این منطقه همچنین به مانعی طبیعی در برابر هر گونه تحرک نظامی از سوی سوریه عمل می‌کند. در بحران سوریه در ۲۰۱۱، جولان به کریدور عبور و حمایت از گروه‌های تروریستی تبدیل و تجهیزات و تسلیحات زیادی از سوی اسرائیل برای آن‌ها ارسال شد. علاوه بر این جولان منبع اصلی آب شیرین سرزمین‌های اشغالی است و حدود ۳۰ درصد نیاز آب رژیم صهیونیستی از منابع این فلات تأمین می‌شود. بلندی‌های جولان علاوه بر اهمیت نظامی، نقش مستقیم در امنیت اقتصادی و جمعیتی رژیم صهیونیستی دارد و عقب‌نشینی از آن به معنای افزایش تهدید علیه امنیت شهرک‌های اشغالی خواهد بود. البته این تهدید در دوران اسد قابل تأمل بود؛ اما اکنون با نابودی تقریباً تمام تسلیحات ارزشمند سوریه و نظریه دیدگاه حاکمان جدید این کشور، بعید است تهدیدی علیه رژیم از این ناحیه شکل بگیرد. از دید اسرائیل، فقدان منطقه استراتژیک و نزدیک‌جولانی به پایتخت سوریه و مراکز جمعیتی داخلی، این منطقه را حیاتی کرده است. توسعه شهرک‌سازی و کنترل منابع آبی، جزء سیاست‌های طولانی رژیم رژیم صهیونیستی برای تثبیت حضور در جولان اشغالی است.

ترکیه و تنگنای راهبردی

همه تحرکات اسرائیل در منطقه را می‌توان در قالب تهدیدی برای کل منطقه صورت‌بندی کرد؛ اما جلور این اثرش اشغالگر در سوریه، بیش از همه، باعث نگرانی دولت اردوغان شده است. پس از سقوط دولت بشار اسد، ترکیه به دنبال تثبیت حضور نظامی خود در سوریه و حمایت از دولت موقت است تا موقعیت استراتژیک خود در مرزها و در مناطق تحت‌نفوذ تحریر الشام را حفظ کند. ورود اسرائیل و اشغال بخش‌هایی از جنوب سوریه، نقشه‌اتکار را نقش بر آب کرده و عرصه رقابت میان دو نیروی خارجی حاضر در سوریه را داغ کرده است. ارتش اسرائیل با تسلط بر بخش‌هایی از جنوب سوریه امکان تحرک آزادانه نیروهای ترکیه را از آن‌ها سلب کرده است. به علاوه، پس از حمله هوایی مستقیم اسرائیل به قطر و انتشار خبری مبنی بر مطلع شدن رهبران حماس پیش از حمله از طریق ترکیه، الی کوهن، وزیر انرژی صهیونیست هشدار داد که رهبران حماس در ترکیه هم ایمن نیستند. آمیخا چچکلی، وزیر امور مهاجران و مبارزه با یهودستیزی هم اخیراً با اشاره به قرارداد خرید ۲۵۵ توسط ترکیه، این کشور را به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید برای رژیم صهیونیستی معرفی کرده است. بنابراین می‌توان برای سکوت آنکارا دو حالت متصور شد: ۱. همکاری و اعطای امتیاز به اسرائیل، ۲. هراس از تحرک نتانیاهو و اقدام متقابل. شاید اگر زمان برای اردوغان به‌عقب‌بازگردد، رئیس‌جمهور ترکیه تأمل بیشتری بر تسهیل سرنگونی دولت اسد داشته باشد.

شیوخ تماشاچی

بازدید نتانیاهو از جنوب سوریه و واکنش‌های ضعیف و متغله‌انه‌ای از سوی کشورهای عربی به دنبال داشتـــت. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از اولین کشورهای که حاکمیت تحریر الشام بر سوریه را به رسمیت شمرد و تلاش‌هایی برای مشروعیت‌بخشی به آن انجام داد، با انتشار بیانیه معمولی موضوع سوریه را در کنار فلسطین قرار داد و رهرو را محکوم کرد. تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی، امیر قطر هم که پیش‌تر در سخنرانی خود در نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی و عربی اشاراتی به اقدامات رژیم صهیونیستی در سوریه داشته و گفته بود «اسرائیل در حال تجزیه سوریه است و نقشه‌هایش هرگز عملی نخواهد شد»، با صدور بیانیه‌ای، حضور نتانیاهو و همراهانش در جنوب سوریه را نقض آشکار حاکمیت سوریه دانست. مشعل الاحمد الجابر الصباح، امیر کویت هم در جریان دیدار خردادماه با جولانی، بر تقویت «تلاش‌های جامعه جهانی» برای «تضمین امنیت و ثبات سوریه» و «حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی آن» تأکید کرده بود. او نیز صرفاً ورود نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به اراضی سوریه را محکوم کرد و آن را نقض قوانین بین‌المللی و قطعه‌نامه‌های شورای امنیت خواند. تثبیت اسرائیل در بخش‌هایی از جنوب سوریه از این واقعیت برده در داشت که حتی کشورهای حامی جولانی توان و اراده کافی برای مقابله با اشغالگری اسرائیل را ندارند یا نمی‌خواهند به‌صورت جدی وارد عمل شوند. واکنش‌های متغله‌انه عربستان، قطر و کویت، حکایت از این دارد که منافع ژئوپلیتیک و روابط استراتژیک این کشورها با واشگتن و تل آویو، بر ضرورت دفاع از حاکمیت سوریه اولویت دارد.